

گاهنگاری مقایسه‌ای سفال دوره آغاز شهرنشینی و شهرنشینی دشت مهران؛ بر اساس مطالعه سفال‌های تپه چغاآهوان

پریسا نکوئی*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

حسن فاضلی نشلی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

اردشیر جوانمردزاده

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

(از ص ۱۶۷ تا ۱۸۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۳/۳۰

چکیده

دشت مهران از جمله مناطق پهنة فرهنگی جنوب غرب ایران است که به لحاظ موقعیت جغرافیایی در پژوهش‌های مرتبط با شکل‌گیری حکومت‌های نخستین از اهمیتی به‌سزایی برخوردار است. مطالعه مواد فرهنگی تپه چغاآهوان در دشت مهران نیز می‌تواند تا حدودی امکان درک فرآیند آغاز شهرنشینی و برهم‌کنش‌های فرهنگی با مناطق مجاور را فراهم نماید. در این نوشتار با توجه به مطالعات صورت گرفته در محوطه‌های هم‌دوره در مناطق هم‌جوار، سفال‌های منسوب به دوره آغاز شهرنشینی و شهرنشینی به‌دست آمده از ترانسه II، که بر اساس فرم ظروف در هفت گروه شامل خمره، سیو، کاسه، سینی، ظروف لوله‌دار، ظروف دسته‌دار و ظروف مینیاتوری قرار گرفتند، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی شدند؛ سپس با به‌بحث‌گذاشتن گونه‌شناسی و دوره فرهنگی آنها، تلاش شده است تا دیدگاهی کلی و نتیجه‌ای نسبتاً روشن از وضعیت صنعت سفالگری که خود نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه این محوطه در زمینه‌های مختلف دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی است، ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: دشت مهران، تپه چغاآهوان، آغاز شهرنشینی و شهرنشینی، یافته‌های سفالی، گونه‌شناسی.

۱. مقدمه

هزاره چهارم پ.م. همزمان با پیدایش جوامع پیچیده و شکل‌گیری حکومت‌ها در جنوب بین‌النهرین و جنوب غرب ایران است که به طور مطلق، محدوده‌ای بین ۴۱۰۰ تا ۳۲۰۰ پ.م را دربر می‌گیرد (Wright and Johnson, 1975:267) دوره زمانی مدنظر، اواخر پیش‌تاریخ را دربر دارد که حد فاصل دوران نوسنگی و آغاز تاریخی است و از نقطه‌نظر تکنولوژیک، دوره مس - سنگی جدید نامیده می‌شود. با وجود کاوش‌ها و بررسی‌های صورت گرفته طی پنجاه سال گذشته در ارتباط با استقرارهای دوره اوروک در بین‌النهرین، تاکنون اطلاعات ناچیزی از آنها منتشر شده است؛ تنها در چند دهه اخیر تلاش‌هایی در جهت روشن نمودن وضعیت این دوره در ایران و عراق در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ صورت گرفته است. همچنین کاوش‌های نجات‌بخشی در ارتباط با پروژه‌های سدسازی بر روی رودهای فرات، دجله و خابور در بیست‌سال اخیر تا حدودی به روشن شدن وضعیت این دوره کمک نموده است (Pollock, 2001:186, Algaze, 1989:578).

دشت مهران، هرچند در استان ایلام و در غرب کشور واقع شده، از لحاظ زمین‌ریخت‌شناسی و فرهنگی بخشی از محدوده جنوب غرب ایران است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸، صص ۵۱۸-۴۹۹). برخلاف دیگر بخش‌های جنوب غربی ایران که بیشترین بررسی‌های فشرده باستان‌شناسی خاورمیانه در آنها انجام شده است، دشت مهران از نقطه‌نظر مطالعات باستان‌شناسی منطقه‌ای ناشناخته باقی مانده است؛ این امر ناشی از مشکلات سیاسی در پیش و پس از انقلاب اسلامی (مانند جنگ تحمیلی) می‌باشد؛ این در حالی است که مطالعات پراکنده خود دشت و دشت‌های مجاور از اهمیت زیاد آن در برهم‌کنش جوامع پیش‌تاریخ منطقه حکایت دارد. موقعیت جغرافیایی دشت مهران که در حدفاصل دشت بین‌النهرین و دشت‌های دهلران و شوشان قرار گرفته، از آن پلی ارتباطی بین این مناطق ساخته است (علیزاده، ۱۳۸۶، صص ۲۱۸). مدارک باستان‌شناسی منتشر شده از مناطق هم‌جوار نشان‌دهنده نقش کلیدی دشت مهران در برهم‌کنش‌های پیش‌تاریخی این جوامع است (جوانمردزاده و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۱۴).

در این نوشتار تلاش شده است تا با طبقه‌بندی و گونه‌شناسی یافته‌های سفالی تپه چغا‌آهوان به بررسی و ارزیابی شاخص‌ها و سنت‌های سفالگری این محوطه و نیز شناسایی تأثیر فرهنگ‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شکل‌گیری و تکامل سفالگری منطقه و میزان برهم‌کنش جوامع دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی دشت مهران با مناطق هم‌جوار پرداخته شود.

۲. ویژگی‌های جغرافیایی و پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناختی در دشت مهران

شهرستان مهران در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غرب استان ایلام و در کرانه چپ رودخانه کنجان چم واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های ایلام و ملکشاهی، از شرق به شهرستان‌های دهلران و ملکشاهی و از جنوب و غرب به کشور عراق محدود است. دشت مهران در غرب این شهرستان و با جهت شرقی - غربی با کمی انحراف به سمت جنوب غرب و در مجاورت دشت‌های دهلران در شرق، بین‌النهرین در غرب و جنوب غرب و مندلی در شمال غربی قرار گرفته است (نقشه ۱). این دشت از شمال به کوه‌های پشمین، از جنوب به جبال حمرین، از غرب به دشت مندلی در کشور عراق و از شرق به کوه اناران و کرویدور منتهی به دشت دهلران محدود شده است؛ با این وجود، از نقطه‌نظر فرهنگی و مطالعات باستان‌شناسی،

منتهی‌الیه شمال غربی خوزستان فرهنگی (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۸: ۵۱۸-۴۹۹) یا همان شوشان بزرگ (Moghaddam, 2012:5; Kouchoukos, 1998:80) به شمار می‌رود. گستره دشت مهران حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع و به صورت مستطیل شکل در جهت شرقی - غربی است که دارای ارتفاع متغیر از ۱۰۰ متر در منتهی‌الیه غربی و حدود ۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد در منتهی‌الیه شرقی است. رودخانه‌های اصلی دشت که رودی دائمی بوده و نقشی کلیدی را شکل‌گیری و تداوم استقرار های دشت ایفا کرده‌اند به ترتیب عبارتند از: رود کنجان چم، گاوی و چنگوله (دارابی، ۱۳۸۷، ص ۴).

فرانک هول نخستین باستان‌شناسی است که به اهمیت باستان‌شناسی دشت مهران پی‌برد و از آن بازدید به عمل آورد. وی در سال ۱۹۷۳ از دشت بازدید کرد که به دلیل وجود تجهیزات نظامی و زرهی ناشی از جنگ چند روزه بین ایران و عراق در آن زمان، به ناچار از انجام هرگونه مطالعه‌ای چشم پوشید (گفتگوی شخصی با فرانک هول، ۱۳۹۰). در همان سال‌ها علی‌محمد خلیلیان، به منظور تدوین محوطه‌های پیش‌ازتاریخ دشت مهران را بررسی نمود و برای نخستین‌بار گاهنگاری نسبی آنها را ارائه داد (خلیلیان، ۱۳۵۶، صص ۳۷۶-۳۷۱). دیگر بار و در سال ۱۳۷۵، خلیلیان با هدف از سرگیری این مطالعات، به بررسی مجدد دشت اقدام نمود که به علت درگذشت ناگهانی وی، جبرئیل نوکنده بررسی‌ها را ادامه داد. در پایان این بررسی‌ها ۶۲ محوطه باستانی با گستره زمانی پارینه‌سنگی قدیم تا اسلامی متأخر شناسایی شد (خلیلیان، ۱۳۷۵؛ Nokandeh, 2010). در نتیجه این بررسی‌ها با اهمیت چغاخلامان (چغاگلان) شناسایی شد؛ این محوطه را بعدها نوکنده تعیین حریم نمود (نوکنده، ۱۳۸۱). با توجه به جالب‌توجه بودن نتایج بررسی خلیلیان و نوکنده و اهمیت محوطه‌های شناسایی شده، دشت مهران مجدداً مورد توجه قرار گرفت (علیزاده، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷). در سال ۱۳۸۲ و در قالب یک بررسی نجات‌بخشی، محسن زیدی منطقه شرقی و حائل بین دشت‌های مهران و دهلران را بررسی کرد و تعدادی محوطه از دوره آغاز نگارش تا دوران تاریخی گزارش نمود (زیدی، ۱۳۸۲). از دیگر مطالعات انجام شده در دشت مهران، مطالعه مقدماتی و فرایند نوسنگی شدن دشت است که حجت دارابی به آن پرداخته است (دارابی، ۱۳۸۷). بالاخره، در سال ۱۳۸۹ و از طرف دانشگاه توبینگن آلمان، هیئتی به سرپرستی محسن زیدی و نیکلاس جی کنارد، کاوش به منظور لایه‌نگاری چغاگلان را آغاز نمود. این کاوش در دو فصل ادامه یافت که تاریخ‌گذاری نمونه‌های کربن ۱۴ از استقرار طولانی از حدود اواسط هزاره دهم تا اواخر هزاره هشتم پیش از میلاد در این محوطه حکایت دارد (Zeidi, 2012). آخرین مطالعات باستان‌شناختی انجام‌یافته در محدوده دشت مهران، مطالعات حجت دارابی و اردشیر جوانمردزاده در سال ۱۳۸۹ است که مشتمل بر بررسی باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ دشت مهران نیز می‌باشد (دارابی و دیگران ۱۳۹۰؛ Darabi et al. 2012). در طی این بررسی ۳۶ محوطه منسوب به دوران پارینه‌سنگی قدیم تا آغاز نگارش شناسایی شد که در این میان محوطه چغاآهوان که در طی بررسی به عنوان یکی از محوطه‌های کلیدی برای شناخت نوسانات استقرار و ارائه جدول گاهنگاری بر اساس داده‌های مطلق، تشخیص داده شده بود، لایه‌نگاری و تعیین حریم شد (جوانمردزاده و دیگران: ۱۳۹۲، ص ۱۵).

۳. تپه چغاآهوان

تپه چغاآهوان در ۵ کیلومتری شمال شهر مهران و در حدود یک کیلومتری شرق جاده ارتباطی ایلام - مهران (۶۱۳۷۲۸ طول شرقی و ۳۶۷۰۰۹۱ عرض شمالی)، در ارتفاع ۲۰۹ متری از سطح زمین‌های اطراف واقع شده

است (نقشه ۲). تپه چغاآهوان، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش‌ازتاریخی در دشت مهران است که با توجه به وسعت در حدود ۲۵ هکتاری آن، نسبت به سایر تپه‌های باستانی حاشیه غربی زاگرس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (نقشه ۳). تپه چغاآهوان در دوران جنگ تحمیلی به سبب سنگ‌سازی‌های متعدد، آسیب فراوانی دیده است و بخش‌هایی از این اثر ارزشمند به خصوص در بخش غرب و جنوب محوطه آسیب جدی دیده است (خلیلیان، ۱۳۷۵، ص ۳۹).

چغاآهوان برای نخستین‌بار در سال ۱۳۷۵ و در طی بررسی باستان‌شناختی خلیلیان در دشت مهران، شناسایی شد. در نتیجه این بررسی‌ها که نتایج آن را بعدها نوکننده به چاپ رسانید، چغاآهوان، استقرار از دوره شوشان عتیق تا دوره سلسله‌های قدیم معرفی شد (همان، ص ۳۳; Nokandeh, 2010)، سپس، در سال ۱۳۸۰ از سوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام به جهت ثبت در فهرست آثار ملی کشور به طور اجمالی بررسی شد و پرونده ثبتی آن تهیه گردید و با شماره ۳۹۸۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. در سال ۱۳۸۹، در بررسی باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ دشت مهران توسط حجت‌دارابی و اردشیر جوانمردزاده، محوطه بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های سطحی، استقرارهای طولانی‌مدت در این محوطه را از اواخر هزاره ششم تا اوائل هزاره سوم پ.م نشان می‌داد. اهمیت بالای محوطه چغاآهوان که طی بررسی به عنوان یکی از محوطه‌های کلیدی در دشت مهران شناخته شد، بدان جا بود که به منظور ارائه گاهنگاری و توالی فرهنگی دشت مهران در پاییز سال ۱۳۸۹ به سرپرستی اردشیر جوانمردزاده لایه‌نگاری و تعیین عرصه و حریم شد. در این راستا، دو ترانسه در بخش شمال و شمال شرقی تپه ایجاد گردید: ترانسه I در بالاترین سطح تپه و ترانسه II در شرق تپه که یافته‌های دوره آغاز شهرنشینی و شهرنشینی در آن مشاهده شده بود (تصویر ۱).

۴. طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌ها

از مجموع سفال‌های ترانسه II، تعداد ۲۷۷۷ قطعه سفال شاخص شامل قطعات لبه، کف، بدنه، لوله و دسته انتخاب شد که در مرحله اول مستندنگاری شده و بر اساس فرم ظروف در هفت گروه شامل خمره، سیو، کاسه، سینی، ظروف لوله‌دار، ظروف دسته‌دار و ظروف مینیاتوری قرار گرفت^(۱) (نمودار ۱). هریک از قطعات سفالی از لحاظ ویژگی‌های تکنیکی چون تکنیک ساخت (چرخ یا دست)، ماده چسباننده، نقش، محل تزیین و پوشش بررسی شد. در مرحله بعد نمونه‌ها با طرح‌ها و گونه‌های به‌دست‌آمده از محوطه‌های شناسایی شده این دوران از جمله تپه فرخ‌آباد، چغامیش، تپه گودین، نینوا و او ایلی مقایسه شدند که در ادامه به معرفی هر یک از آنها پرداخته می‌شود:

۴-۱_ کاسه‌ها

کاسه‌ها با اندازه‌ها و انواع مختلف، بیشترین فراوانی (۳۱ درصد) را بعد از سیوها در بین قطعات سفالی داشتند. این ظروف از لحاظ جنس و خمیره سفال، به سه دسته ظریف، متوسط و خشن تقسیم‌بندی شدند که بیشترین قطعات مربوط به کاسه‌های متوسط با فراوانی ۶۷/۶ درصد بود. از لحاظ تکنیک ساخت ۶۳ درصد کاسه‌ها دست‌ساز و ۳۶ درصد چرخ‌ساز بودند و تنها ۱ درصد از آنها با هر دو تکنیک چرخ و دست ساخته شده بودند. کاسه‌ها عموماً در حرارت مناسب پخته شده‌اند و رنگ خمیره آنها در طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای،

قهوه‌ای مایل به نخودی، نخودی، نخودی مایل به صورتی و خاکستری است که پوشش گلی غلیظ و یا دست مرطوب روی آنها را پوشانده است. کاسه‌ها از لحاظ پرداخت نهایی و تزئین در دو گروه کاسه‌های ساده و منقوش جای می‌گیرند. کاسه‌های ساده با فراوانی ۹۱ درصد بیشترین فراوانی را در میان قطعات سفالی دارند؛ نقوش هندسی و کنده از رایج‌ترین طرح‌های تزئینی بر روی کاسه‌ها می‌باشد. کاسه‌ها بر اساس فرم به دو گروه کاسه‌های دهانه‌باز و دهانه‌بسته قابل تقسیم هستند.

۲-۴ کاسه‌های دهانه‌باز: این نوع از کاسه‌ها خود از لحاظ شکل لبه به سه گونه تقسیم می‌شوند (کاتالوگ ۱) الف) کاسه‌های با لبه به داخل برگشته (Inverted) و بدنه محدب یا عمودی که در برخی نمونه‌ها یک ردیف شیارهای موازی دیده می‌شود که با فشار انگشتان سفالگر ایجاد شده است. مشابه این نمونه‌ها در تپه فرخ‌آباد (Wright 1981, Fig.47:d) و تپه چغامیش در لایه‌های آغاز نگارش مشاهده شد. بر طبق گفته دلوگاز و کنتور مشابه این کاسه‌ها در لایه XVII اینانای نیپور و مس‌وسنگ هاساک هویوک وجود دارد (Delougaz and Kantor, 1996: fig 8.XXX-II 412). ب) کاسه‌های دهانه‌باز با لبه به بیرون برگشته (Everted) و بدنه محدب؛ این کاسه‌ها ساده و بدون نقش می‌باشند و قابل مقایسه با نمونه‌های تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981: Fig.46:e)، تپه چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996 Fig.8,XXII) و مرحله گودین V میانی (Badler, 2004: Fig.11: A2 1185#30) هستند. این فاز گودین با توجه به آزمایش‌های رادیو کربن تاریخی در حدود ۳۳۵۰ پ.م. را دربر می‌گیرد (Ibid, 2004:82). پ) کاسه‌های با لبه منحنی به سمت بیرون (Incurving Slight) و بدنه عمودی (مستقیم)، که عموماً منقوش است و یک نوار منقوش روی لبه و نقوش تزئینی به صورت باندهای افقی موازی و هاشورخورده در زیر لبه مشاهده می‌گردد. این گونه‌ها قابل مقایسه با نمونه‌های مرحله آغاز نگارش در تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981: Fig.43:b, c) و در دشت دهلران (Wright and Neely, 1994: Fig III. 6.1, k) است.

۳-۴ کاسه‌های دهانه بسته: الف) کاسه‌های دهانه بسته با لبه به سمت داخل (Inturned) و بدنه پراتنزی، که قابل مقایسه با چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.8 XXVIII) و فاز V میانه تپه گودین (Badler, 2004, Fig.13:B1 479-159) است. نمونه‌های منقوش آن دارای نقوش هندسی به صورت نوارهای افقی موازی در زیر لبه است که مشابه آن در تپه فرخ‌آباد شناسایی شده است (Wright, 1981, Fig:47.a). ب) کاسه‌های با لبه به داخل برگشته (Inverted) و بدنه محدب یا عمودی که قابل مقایسه با سفال‌های چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig:8 XXIV) است (کاتالوگ ۲).

۴-۴ سینی‌ها

سینی‌ها حدود ۱۰ درصد از کل قطعات سفال‌های آغاز شهرنشینی ترانشه II را دربر می‌گیرند. این ظروف کم‌عمق با بدنه عمودی و منحنی، لبه عمودی و یا لبه به بیرون برگشته و کف‌های تخت هستند (کاتالوگ ۳). تمامی این ظروف ساده هستند و نمونه منقوشی در میان آنها دیده نمی‌شود. نمونه‌های مشابه این گونه ظروف از چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.9: XLVIa)، محوطه جمدت نصر (Mattews, 1992. Fig.2:17) و گودین تپه، سینی‌های اوروکی زمخت با ماده چسباننده کاه درشت در فاز گودین VI میانه و جدید مشابه نمونه‌های نیپور در لایه XIX اینانا گزارش شده‌اند (Badler, 2004, Fig.7:P4 20# - 4., B 20# - 252).

همچنین در فاز گودین V قدیم و میانه (Ibid, Fig. 11. A2 1187#1-Fig.13. B1 479#-212) نمونه‌های این ظروف به دست آمده است.

۴-۵-خمرها

خمرها، گونه دیگری از سفال‌های شاخص در میان سفال‌های تپه چغاآهوان هستند که به فراوانی ۲۳ درصد در مجموعه وجود دارند. این ظروف از لحاظ ابعاد و ضخامت بدنه در سه گروه سفال‌های ظریف، متوسط و خشن طبقه‌بندی می‌شوند که در میان آنها خمره‌های متوسط با فراوانی ۵۳/۵۰ درصد، بیشترین فراوانی را دارد. ۵۹ درصد این ظروف چرخ‌ساز، ۲۲ درصد دست‌ساز و مابقی با هر دو شیوه ساخته شده‌اند. خمرها اکثراً در حرارت کافی پخته شده‌اند و رنگ خمیره آنها در طیفی از قهوه‌ای، قهوه‌ای مایل به نخودی و نخودی مایل به صورتی است که با پوشش گلی غلیظ و یا دست مرطوب پوشیده شده‌اند. خمرها به دو گروه ساده و منقوش تقسیم می‌شوند که در این میان تعداد خمره‌های ساده (۷۳/۰۵ درصد) بیشتر است. خمره‌های منقوش نیز عموماً دارای نقوش هندسی، فشاری، کنده و افزوده می‌باشند. خمرها بر اساس فرم و شکل لبه به دو گروه خمره‌های گردن‌دار و خمره‌های بدون گردن تقسیم شدند که هر یک نیز به نوبه خود به زیرگروه‌هایی تقسیم می‌شوند:

۴-۶-خمره‌های گردن‌دار: این خمرها اشکال متعددی دارند (کاتالوگ ۴ و ۵) که شامل: الف) خمره‌های

گردن‌دار با لبه مستقیم روبه‌بالا و بدنه کروی یا مقعر (دارای قوس به سمت داخل) است که قابل‌مقایسه با سفال‌های تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981, Fig.49:d, i)، تپه چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.10.) و تپه جمدت نصر (LXII) (Mackey, 1931, Pl.LXV: 2, 9, 14) می‌باشد. ب) خمره‌های گردن‌دار با لبه خمیده به سمت بیرون (Incurving) که قابل‌مقایسه با تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981, Fig.49:b, k) و تپه چغامیش (Alizadeh, 2008, Fig.27: H) است، پ) خمره‌های گردن‌دار با لبه شیپوری (Outflaring) که در اکثر موارد در محل اتصال بدنه ظرف به شانه دارای زاویه تند هستند و نمونه‌های مشابه آنها در تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981, Fig.49:c, h- Fig.53:d, l) و تپه چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.4:70,) و تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981, Fig.49:c, h- Fig.53:d, l) و تپه نیپور، به دست آمده است؛ اکثر منقوش هستند و نقوش تزیینی آنها به صورت باند روی لبه و باندهای افقی موازی و یا شیارهای کنده افقی موازی بر روی شانه ظرف است. ت) خمره‌های شکم‌دار با گردن کوتاه و لبه به بیرون برگشته (Everted) که در برخی نمونه‌ها یک نوار منقوش روی لبه و یا نوارهای افقی موازی در زیر لبه در سطح بیرونی سفال مشاهده می‌شود و مشابه تپه گودین در فاز گودین VI میانه و جدید (Badler, 2004, Fig.8:B 23#393, Fig.8:N 34#63)، تپه چغامیش (Alizadeh, 2008. Fig.28: c, d) و در تپه نیپور، به شکل ساده و نیز با تزیینات منقوش هندسی به صورت باندهای افقی روی شانه ظرف مشاهده شد (Wilson, 1986, Fig.6: 6.7, 14, 15). ث) خمره‌های شکم‌دار با لبه گرد به بیرون برگشته که همانند خمره‌های گردن‌کوتاه شکم‌دار هستند و تنها تفاوت میان آنها در انتهای لبه است که در این گروه کاملاً گرد شده است. نمونه‌های مشابه آن در تپه چغامیش (Alizadeh, 2008, Fig. 28: e)، تپه گودین (Badler, 2004, Fig. 8:B 23#366-B 20#239) در فاز گودین VI میانه و جدید و در فاز اوروک میانه نیپور (اینانی XX) (Wilson, 1986:Fig.6:7, 14,15) مشاهده شد.

۴-۷. خمیره‌های بدون گردن: این خمیره‌ها به دو شکل خمیره‌های دهانه‌باز با لبه عمودی رو به بالا و بدنه راست و مستقیم و خمیره‌های دهانه بسته با لبه به داخل برگشته (Inturned) با بدنه کروی و راست می‌باشند (کاتالوگ ۶). خمیره‌های دهانه باز اکثراً منقوش بوده و خمیره‌های دهانه بسته نیز در اکثر موارد دارای نقش افزوده به صورت ردیف افقی از دواير متصل به هم است که دورتادور ظرف در زیر لبه دیده می‌شود. نمونه‌های قابل مقایسه با این خمیره‌ها از تپه چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.4:60) شناسایی شد.

۴-۸. سبوی

سبوها با ۷۰۱ قطعه، در میان مجموعه قطعات سفالی به‌دست آمده از تپه چغاآهوان بیشترین فراوانی را دارند. این ظروف با توجه به قطر دهانه و شکل بدنه از خمیره‌ها متمایز می‌گردند. قطر دهانه آنها بین ۴ تا ۳۰ سانتیمتر متغیر است. ۸۳/۳۰ درصد سبوها چرخ‌ساز، ۱۶ درصد دست‌ساز و بقیه با هر دو شیوه ساخته شده‌اند. در میان این ظروف تنها ۲۵ درصد پخت ناکافی و یا حرارت بالا داشتند و بقیه در حرارت کافی پخته شده‌اند. رنگ خمیره آنها در طیفی از نخودی، نخودی مایل به صورتی، قهوه‌ای مایل به قرمز و نارنجی بود که دارای پوشش گلی و یا دست مرطوب هستند. سبوها نیز به مانند خمیره‌ها از نظر تزئین به دو گروه ساده و منقوش تقسیم می‌شوند که سبوه‌های منقوش ۲۵/۴۰ درصد را تشکیل می‌داد. نقوش روی آنها طرح‌های هندسی، کنده، افزوده، برجسته و فشاری بود. سبوها از لحاظ فرم به گروه گردن‌دار و بدون گردن تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۴-۹. سبوه‌های گردن‌دار: شامل الف) سبوه‌های گردن‌دار با لبه شیپوری ب) سبوه‌های گردن‌دار با لبه به بیرون برگشته و بدنه کروی و راست که به شکل ساده و منقوش در مجموعه سفالی وجود داشتند (کاتالوگ ۷) نمونه‌های قابل مقایسه با اینها در تپه فرخ‌آباد (Wright, 1981, Fig.51: g, h-53:j, n)، تپه گودین، فاز گودین V میانه (Badler, 2004, Fig:8: B 23#359-12.A1 1152-#68) و تپه جم‌دت نصر (Mackey, 1931,) Pl.LXV: 15 to 23 مشاهده شده است.

۴-۱۰. سبوه‌های بدون گردن: شامل الف) شمار اندکی سبوی بدون گردن با لبه به داخل برگشته که با نمونه‌های به‌دست آمده از فرخ‌آباد (Wright, 1981, Fig.43: a) و تپه چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996,) Fig.10: LXVII قابل مقایسه است. ب) سبوه‌های بدون گردن با لبه گرد شده به سمت بیرون و بدنه کروی یا راست که قابل مقایسه با تپه فرخ‌آباد (Wright 1981, Fig.43:a) و تپه چغامیش (Delougaz and Kantor) Fig.10:LXVII (1996,) است (کاتالوگ ۸).

۵. ظروف لوله‌دار

در میان سفال‌های تپه چغاآهوان تعداد ۱۷۳ قطعه ظرف لوله‌دار در شکل‌های مختلف و اندازه‌های متفاوت دیده می‌شود (کاتالوگ ۹). لوله‌های این ظروف که اکثراً ساده و در مواردی نیز به شکل آبریز کوچک هستند، به احتمال زیاد کاربردی مشابه پارچ یا آبخوری داشته‌اند. لوله‌ها به تنهایی و یا در حالی که به قطعات بدنه و یا لبه ظرف چسبیده بودند، یافت شدند. همگی آنها دست‌ساز هستند و بعد از ساخت ظرف سفالی به آن متصل شده‌اند. در چندین نمونه اثر انگشت دست سفالگر در محل اتصال لوله به بدنه قابل رؤیت است. لوله‌ها در

اندازه‌های مختلف و به شکل‌های باریک و دراز مستقیم، یا قطور و کوتاه مستقیم هستند. در نمونه‌هایی از این لوله‌ها که بیشتر می‌توان آنها را آبریز نامید، برخلاف دو گونه مذکور که لوله‌ها بر روی شانه طرف و کمی پایین‌تر از لبه قرار داشتند، آبریزها چسبیده به لبه طرف قرار گرفته‌اند. نمونه‌های مشابه با ظروف با لوله باریک و دراز از چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.12: CVa, CVb, CVd)، فرخ‌آباد (Wright, 1981: Fig. 55: m)، جمدت نصر (Mattews, 1992. Fig.5:2, 6, 7; Fig.6:6) و در لایه XV اینانای نیپور (Ibid: 11) مشاهده شده است. نمونه‌های ظروف با لوله‌های کوتاه و قطور در تپه چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996, Fig.13: CXIV,CXIIIb) و در تپه جمدت نصر (Mattews 1992, Fig.5:3) به دست آمده است. در ظروف لوله‌دار منقوش، نقش‌ها عبارت بودند از نقش کنده، نقش برجسته، نقش افزوده و تزیینات منقوش. در میان این نقوش، تزیینات منقوش از همه رایج‌تر بوده و اغلب به صورت یک نوار رنگی دورتادور لوله طرف مشاهده می‌شود که قابل مقایسه با نمونه‌های مکشوفه از چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996 Fig.13: CXI) است.

۶. ظروف دسته‌دار

ظروف دسته‌دار نیز به تعداد ۳۷ قطعه در میان مجموعه سفال‌های تپه چغاآهوان وجود داشت. قطعات این نوع ظروف نیز به مانند ظروف لوله‌دار به تنهایی و یا چسبیده به قطعات بدنه و لبه به دست آمد (کاتالوگ ۱۰). ظروف دسته‌دار، به طور کلی، بر دو نوع است: ظروف دسته‌دار با دسته‌های تزیینی و یا کاربردی. دسته‌های تزیینی به شکل دسته‌های دماغی دیده می‌شوند که در برخی از نمونه‌ها سطح بیرونی خمره‌های دسته دماغی با رنگ قرمز و یا سیاه پوشیده شده و یا این که با نقوش هندسی از جمله نوارهای افقی و خطوط نیم‌دایره بر روی باند تزیین شده‌اند. این دسته‌ها در ابتدای ظهورشان کمی به سمت بالا متمایل هستند که در ادامه و در فاز جدید اوروک، صاف می‌شوند (Johnson, 1973:54). دسته‌های کاربردی از نوع تسمه‌ای شکل‌اند و به صورت نوار پهنی از نزدیکی لبه طرف به بدنه چسبانده شده‌اند. این ظروف اغلب به شکل خمره با چهار دسته تزیینی دماغی شکل دیده می‌شوند که به تعداد فراوان در مجموعه سفال‌های تپه چغاآهوان وجود دارند. آنها معمولاً دارای گردن کوتاه، بدنه شکم‌دار و لبه گرد و یا به خارج برگشته هستند که بر روی شانه آنها علاوه بر تزیینات منقوش هندسی و یا کنده، چهار دسته دماغی ظریف دیده می‌شود. نقوش آنها عبارت است از نقش کنده، نقش هاشور در میان باندهای افقی، مثلث‌های توخالی، نیم‌دایره‌های روی باندهای افقی و لوزی‌های هاشورخورده. نمونه‌های مشابه این ظروف در تپه گودین، از فاز گودین V میانه (Badler, 2004: Fig.11:A2) و فرخ‌آباد (Wright, 1981:Fig.50: f-55:a-57:b, d, e)، چغامیش (Alizadeh, 2008:Fig.29) و در لایه‌های XIV-XIII اینانای نیپور (Mattews 1992: Fig.4:1-5) به دست آمده است.

۷. ظروف مینیاتوری

در میان مجموعه سفال‌های تپه چغاآهوان تعداد ۳۰ قطعه ظرف در ابعاد کوچک یا به اصطلاح مینیاتوری به دست آمد که عبارتند از: سینی، کاسه، ظروف لوله‌دار، لیوان و سبو (کاتالوگ ۱۱). مشابه سینی‌های مینیاتوری در تپه جمدت نصر (Mattews, 1992:Fig.2:17) و چغامیش (Alizadeh, 2008: Fig. 23: g)، البته در اندازه

متوسط مشاهده شده که تنها از جهت شکل شبیه نمونه مورد مطالعه چغاآهوان هستند. نمونه کاسه‌های مینیاتوری در تپه گودین در فاز گودین VI جدید به دست آمده که به صورت کاسه‌هایی بدون نقش با لبه برگشته به بیرون است و نمونه آنها در فاز اوروک میانه اینانا در نیپور به دست آمده است (Badler, 2004: Fig.7: B 20#251, N3 34#26). ظرف لوله‌دار مینیاتوری به دست آمده قابل مقایسه با ظروف لوله‌دار مینیاتوری به دست آمده از چغامیش (Delougaz and Kantor, 1996 Fig.12: CI II-353) و تپه جمدت نصر (Mackey, 1931, Pl.LXIII:7) می‌باشد. مشابه لیوان‌های مینیاتوری از چغامیش (Alizadeh, 2008: Fig.33:c) و نمونه سبوه‌های مینیاتوری در میان ظروف مینیاتوری تپه جمدت نصر (Mattews, 1992: Fig.8:4, 8) گزارش شده است.

۸. نتیجه

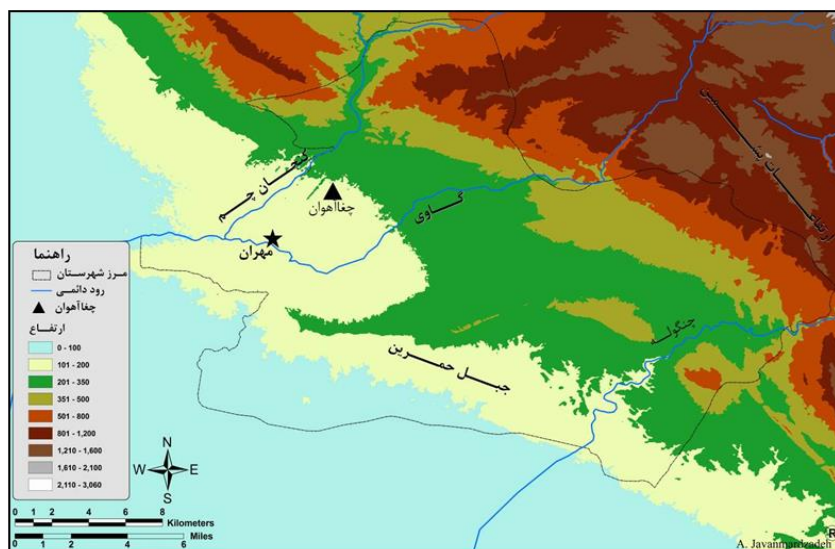
بررسی گونه‌شناختی و تطبیقی سفال‌های اواخر پیش از تاریخ تپه چغاآهوان آشکار نمود که:

- ۱- در مجموع از ترانسه II هفت فرم یا شکل سفالی به دست آمد که از جمله آنها می‌توان کاسه‌ها، سبوه‌ها، خمره‌ها، سینی‌ها، ظروف لوله‌دار، ظروف دسته‌دار و ظروف مینیاتوری را نام برد.
 - ۲- سفال منقوش به تعداد اندک به دست آمد که نقوش آنها مشابه نمونه‌های سفالی به دست آمده از کاوش‌های تپه فرخ‌آباد، تپه چغامیش، تپه جمدت نصر و تپه نیپور بود.
 - ۳- در میان گونه‌های سفالی، کاسه‌های ساده با لبه به بیرون برگشته، سینی‌های بیضی‌شکل، سبوه‌های گردن‌دار، خمره‌های با لبه قیفی‌شکل و خمره‌های دهانه‌بسته با تزیین برجسته طنابی وجود دارد که از نمونه‌های رایج در دوره اوروک میانه است که در اکثر محوطه‌های این دوره در ایران و بین‌النهرین از جمله در فاز VI میانه و جدید در تپه گودین، لایه‌های XVIII-XX اینانای نیپور و لایه‌های اوروک میانی تپه فرخ‌آباد به دست آمده است.
 - ۴- خمره‌های لوله‌دار با لوله‌های خمیده، ظروف با دسته تسمه‌ای، خمره‌های گردن‌دار با بدنه کشیده و بلند، خمره‌های با چهار دسته تزیینی دماغی‌شکل و طرح جناقی‌کنده، کاسه‌های ساده با بدنه محدب نیز از نمونه‌های رایج دوره اوروک جدید است که در فاز V میانه و جدید گودین تپه، لایه‌های XVII-XV اینانای نیپور، لایه‌های آغاز نگارش تپه چغامیش، لایه‌های ۱۷ و ۱۸ آکروپل شوش و لایه‌های اوروک جدید در تپه جمدت نصر مشاهده شده است.
- در مجموع می‌توان گفت که سفال‌های به دست آمده از ترانسه II به جز سه لوکوس تحتانی همگی متعلق به دوران آغاز نگارش بود. سفال‌های دوره آغاز نگارش تپه چغاآهوان نیز همانند دیگر محوطه‌های دارای این فرهنگ در جنوب غربی ایران و بین‌النهرین بوده (Pollock, 1999:61-64; LeBreton, 1957:185) به طوری که بیشتر سفال‌ها ساده و دارای خمیره قهوه‌ای روشن و تیره با شاموت کاه ریز، کاه درشت و شن هستند. تزیینات روی سفال‌ها نیز شامل تزیینات کنده، افزوده و فشاری (خطوط هاشوری، افقی و عمودی) است و در کنار آن دیگر مشخصه‌های سفال‌های این دوره همچون دسته‌های تسمه‌ای‌شکل، ظروف لوله‌دار، دسته‌های کوچک تزیینی سوراخ‌دار دیده می‌شوند که از این نظر قابل مقایسه با محوطه‌های بزرگی همچون چغامیش، گودین و نینوا است (Delogaze & Kantor, 1996: pl:80-124).

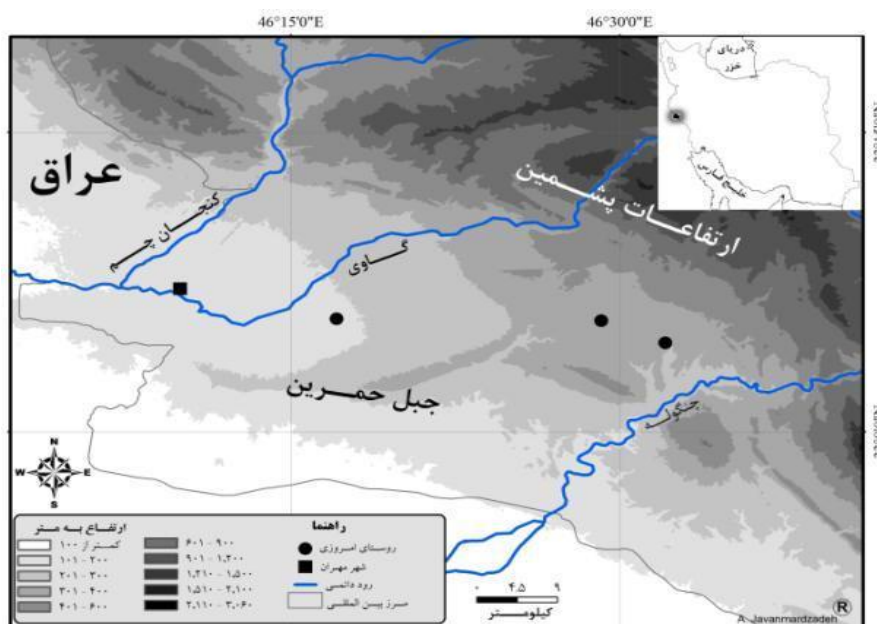
۹. پی‌نوشت

۱. این تقسیم‌بندی بر اساس تقسیم‌بندی راجر متیوس در ارتباط با سفال‌های به‌دست آمده از کاوش تپه جمدت نصر است. ایشان به منظور معرفی سفال‌های تپه جمدت نصر و مقایسه آنها با سایر محوطه‌های باستانی بین‌النهرین این تقسیم‌بندی را انجام دادند (Matthews, 2002: 196-203).

۱۰. تصاویر



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی دشت مهران (جوانمردزاده و دیگران: ۱۳۹۲، ص ۲۷)



نقشه ۲: موقعیت جغرافیایی تپه چغاآهوان در دشت مهران

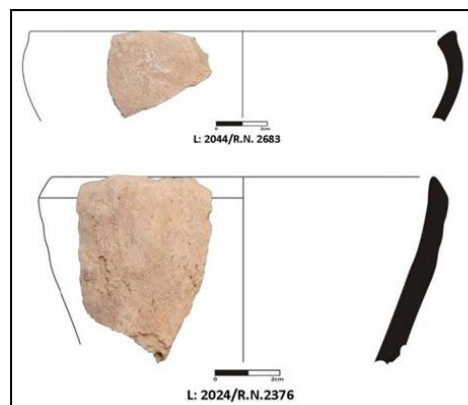
منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Wright 1981, Fig. 47: Delougaz and Kantor 1996, Vol. I, Text. fig 8. XXX-II 412	لبه به داخل برگشته، (Inverted Rim Bowl) قهوه ای مایل به نخودی، ماده چسباننده کانی، پخت کافی، نقش افزوده	کاسه	۱
Wright 1981, Fig. 46: e Badler 2004, Fig. 11: A2 1185#30	لبه به بیرون برگشته، (Everted Rim Bowl) نخودی، ماده چسباننده آلی، پخت ناکافی	کاسه	۲
Wright and Neely 1994. Fig III. 6.1, k	لبه منحنی به سمت بیرون، (Incurving Slight Rim Bowl) نخودی، ماده چسباننده کانی، پخت کافی، نقش هندسی	کاسه	۳



کاتالوگ ۱: کاسه های دهانه باز

جدول کاتالوگ ۱

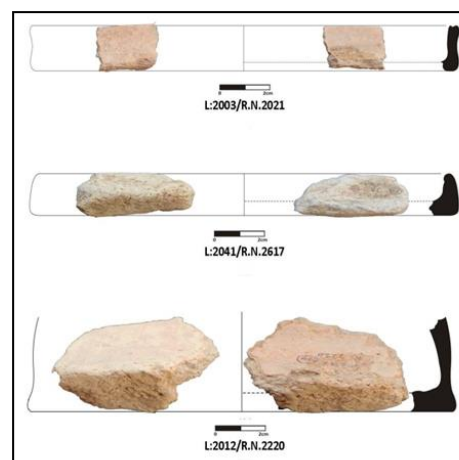
منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Delougaz and Kantor 1996, Fig. 8 Badler XXVIII 2004, Fig. 13: B1 479# 159	لبه به سمت داخل، (Inturned Rim Bowl) نخودی، ماده چسباننده کانی، پخت ناکافی	کاسه	۱
Delougaz and Kantor 1996, Vol. I, Text, Fig: 8 XXIV	لبه به داخل برگشته، (Inverted Rim Bowl) قهوه ای، ماده چسباننده ترکیبی، پخت ناکافی	کاسه	۲



کاتالوگ ۲: کاسه های دهانه بسته

جدول کاتالوگ ۲

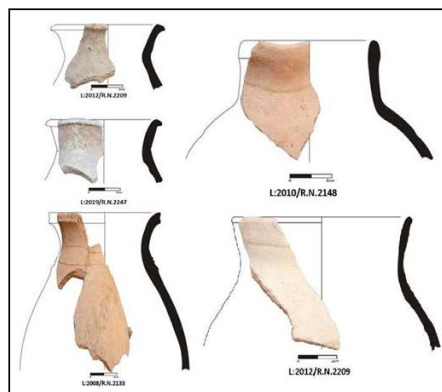
منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Delougaz and Kantor 1996, Vol. I. Text. Fig. 9: Badler 2004 _XLVIa Fig. 7: P4 20 # 4., B 20 # 252	نمای جانبی کامل، خاکستری تیره، ماده چسباننده ترکیبی، پخت ناکافی	سینی	۱
Matthews 1992. Fig. 2: 17	نمای جانبی کامل، نخودی مایل به قهوه ای، ماده چسباننده ترکیبی، پخت کافی	سینی	۲
Delougaz and Kantor 1996, Vol. I. Text. Fig. 9: XLVIa	کف، خاکستری، ماده چسباننده آلی، پخت ناکافی	سینی	۳



کاتالوگ ۳: سینی ها

جدول کاتالوگ ۳

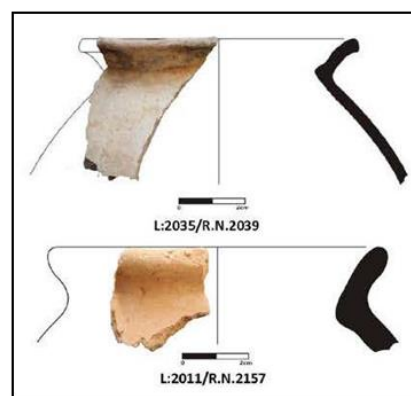
منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Wright 1981, Fig.49:d,i Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.10.LXII	لبه مستقیم رو به بالا. (Upright Straight Rim Jar) خاکستری تیره، ماده چسباننده آلی، پخت ناکافی	خمره	۱
Wright 1981, Fig.49:b, k Alizadeh 2008, Fig.27: H	لبه خمیده به سمت بیرون. (Incurving Rim Jar) قهوه ای، ماده چسباننده ترکیبی، چرخ ساز، نقش کنده	خمره	۲
Wright 1981, Fig.49:c, h; Fig.53:d,l, Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.4:70	لبه شیپوری. (Outflaring Rim Jar) قهوه ای روشن، ماده چسباننده آلی، پخت کافی	خمره	۳
Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.5:110	لبه شیپوری. (Outflaring Rim Jar) قهوه ای روشن، ماده چسباننده آلی، پخت کافی	خمره	۴
Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.6:155-6	لبه شیپوری. (Outflaring Rim Jar) قهوه ای روشن، ماده چسباننده ترکیبی، پخت کافی، نقش کنده	خمره	۵



کاتالوگ ۴: خمره‌های گردن‌دار

جدول کاتالوگ ۴

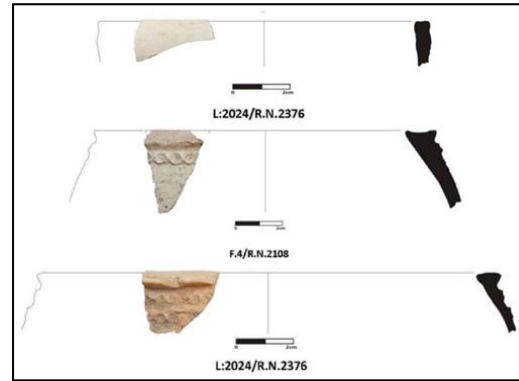
منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Alizadeh _2008.Fig.28: c,d Badler 2004, Fig.8:B 23#393, Wilson 1986, Fig.6:6.7	لبه به بیرون برگشته. (Everted Rim Jar) خاکستری روشن، ماده چسباننده ترکیبی، پخت ناکافی	خمره	۱
Alizadeh 2008, Fig.28:e- Wilson 1986:Fig.6:7, 14,15	لبه به بیرون برگشته. (Everted Rim Jar) قهوه ای، ماده چسباننده ترکیبی، پخت کافی	خمره	۲



کاتالوگ ۵: خمره‌های گردن کوتاه شکم‌دار

جدول کاتالوگ ۵

منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Badler 2004, Fig.8:N 34#63	لبه مستقیم رو به بالا (Upright Straight Rim Jar) نخودی، ماده چسباننده آلی، پخت کافی	خمره	۱
Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.4:60	لبه به داخل برگشته (Inturned Rim Jar) نخودی مایل به قهوه ای، ماده چسباننده ترکیبی، پخت کافی، نقش افزوده	خمره	۲
Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.4:60	لبه به داخل برگشته (Inturned Rim Jar) نخودی، ماده چسباننده کانی، پخت کافی، نقش افزوده	خمره	۳



کاتالوگ ۶: خمره‌های بدون گردن

جدول کاتالوگ ۶

منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Wright 1981, Fig.51:g,h Badler 2004. Fig:8:B 23#359	لبه شیپوری (Outflaring Rim Crock) قهوه ای روشن، ماده چسباننده آلی، پخت کافی، نقش کنده	سبو	۱
Wright 1981, Fig.53: j,n; Badler 2004. Fig.12.A1 1152#68	لبه شیپوری (Outflaring Rim Crock) نخودی، ماده چسباننده ترکیبی، پخت کافی، نقش کنده	سبو	۲
Mackey 1931, Pl.LXV:15	لبه به بیرون برگشته (Everted Rim Crock) قهوه ای، ماده چسباننده کانی، پخت کافی، نقش هندسی	سبو	۳
Mackey 1931, Pl.LXV:17	لبه به بیرون برگشته (Everted Rim Crock) خاکستری تیره، ماده چسباننده کانی، پخت ناکافی	سبو	۴



کاتالوگ ۷: سبوه‌های گردن دار

جدول کاتالوگ ۷

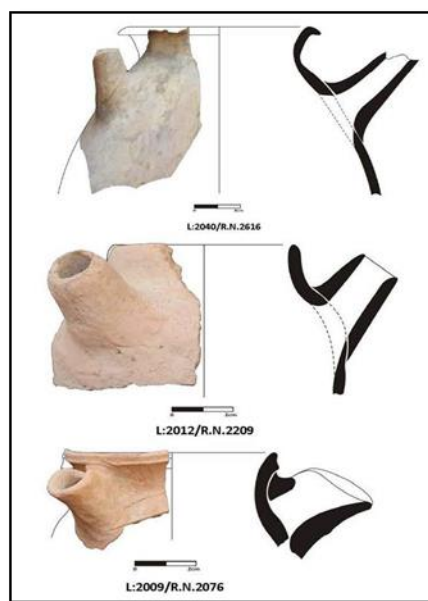
شماره	نوع سفال	توصیف	منبع مقایسه
۱	سبو	لبه به داخل برگشته (Interned Rim)، نخودی، ماده چسباننده کانی، پخت کافی	Wright 1981, Fig.43:a Delougaz and Kantor 1996, Vol.I, Text, Fig.10:LXVII
۲	سبو	لبه گرد به سمت بیرون، (Incurving Rim)، نخودی مایل به صورتی، ماده چسباننده آلی، پخت کافی، نقش هندسی	Wright 1981, Fig.43:b



کاتالوگ ۸: سبوهای بدون گردن

جدول کاتالوگ ۸

شماره	نوع سفال	توصیف	منبع مقایسه
۱	ظرف لوله دار	لبه/لوله، قهوه ای روشن، ماده چسباننده کانی، پخت کافی	Delougaz and Kantor 1996, Vol.I.Text, Fig.12:CVa,CVb, CVd; Wright 1981:Fig.55:m
۲	ظرف لوله دار	لبه/لوله، نخودی مایل به صورتی، ماده چسباننده آلی، پخت کافی	Delougaz and Kantor 1996, Vol.I.Text, Fig.13: _CXIV,CXIIIb Matthews 1992.Fig.5:3
۳	ظرف لوله دار	لبه/لوله، قهوه ای روشن، ماده چسباننده کانی، پخت کافی	Matthews 1992.Fig.6:6

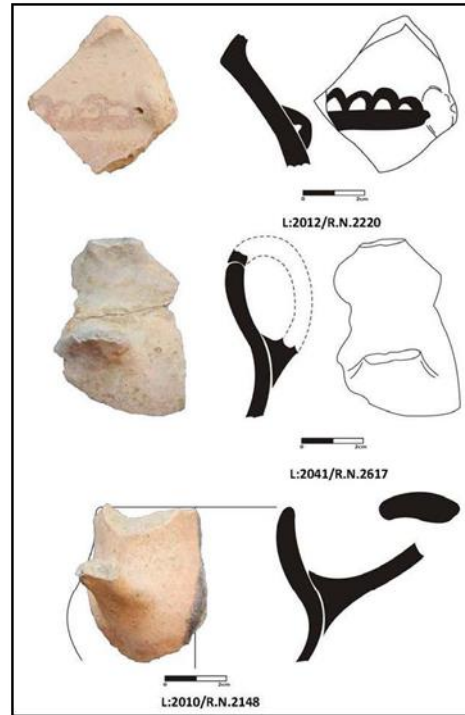


کاتالوگ ۹: ظروف لوله دار

جدول کاتالوگ ۹

منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Badler 2004: Fig.11:A2 _1187#411-A01 Wright 1981:Fig.50:f- 55:a	بدنه، قهوه ای، ماده چسباننده کانی، پخت کافی، نقش هندسی	ظرف دسته دار	۱
Alizadeh 2008:Fig.29	دسته، قهوه ای، ماده چسباننده کانی، پخت کافی	ظرف دسته دار	۲
Mattews 1992:Fig.4:1-5	لبه/دسته، نخودی مایل به صورتی، ماده چسباننده آلی، پخت ناکافی	ظرف دسته دار	۳

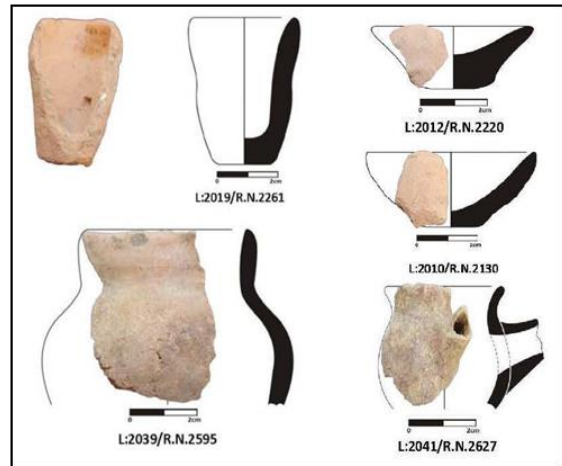
جدول کاتالوگ ۱۰



کاتالوگ ۱۰: ظروف دسته‌دار

منبع مقایسه	توصیف	نوع سفال	شماره
Badler 2004:Fig.7:B 20#251,N3 34#26	قهوه ای، ماده چسباننده کانی، پخت ناکافی	کاسه	۱
Badler 2004:Fig.7:B 20#251, N3 34#26	قهوه ای روشن، ماده چسباننده کانی، پخت ناکافی	کاسه	۲
Delougaz and Kantor 1996, Vol.I.Text. Fig.12: CI II- Mackey_353 1931, Pl.LXIII:7	خاکستری تیره، ماده چسباننده آلی، پخت کافی	ظرف لوله دار	۳
Alizadeh 2008:Fig.33:c	نخودی مایل به قهوه ای، ماده چسباننده ترکیبی، پخت ناکافی	لیوان	۴
Mattews 1992:Fig.8:4, 8	قهوه ای روشن، ماده چسباننده آلی، پخت ناکافی	سبو	۵

جدول کاتالوگ ۱۱



کاتالوگ ۱۱: ظروف مینیاتوری

۱۱. منابع

- جوانمردزاده، اردشیر، حسن فاضلی نشلی و حجت دارابی، (۱۳۹۲)، «پروژه باستان‌شناسی دشت مهران: زیستگاه‌های دوران روستانشینی»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۵، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۰-۱۱.
- خلیلیان، علی محمد، (۱۳۷۵)، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایلام*، گزارش بررسی و شناسایی دشت مهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- خلیلیان، علی محمد، (۱۳۵۶)، «استقرارهای اولیه در غرب ایران (منطقه زاگرس) از آغاز تا هزاره چهارم قبل از میلاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی دکتر عزت‌الله نگهبان (منتشر نشده).
- دارابی، حجت (۱۳۸۷)، «فرایند نوسنگی شدن دشت مهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی دکتر حسن فاضلی نشلی (منتشر نشده).
- دارک، کن‌آر، (۱۳۷۹)، مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سرداری زارچی، علیرضا، (۱۳۸۴)، «فن مدیریت اداری و شکل‌گیری جوامع پیچیده در جنوب غرب ایران در هزاره چهارم پ.م.»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی دکتر حسن فاضلی نشلی (منتشر نشده).
- عبدی، کامیار، (۱۳۷۸)، «کاسه لیه واریخته: کاربرد و پراکندگی، باستان و هنر ایران»: ۳۲ مقاله در بزرگداشت دکتر عزت‌الله نگهبان، به کوشش عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص: ۶۴-۸۴.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۶)، تئوری و عمل در باستانی (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی)، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ملک شه‌میرزادی، صادق، (۱۳۸۲)، ایران در پیش از تاریخ: از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، چاپ دوم (اول ۱۳۷۸)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نوکنده، جبرئیل، (۱۳۸۱)، گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم چغاگلان شهرستان مهران، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- Algaze, G., et al. 1989. The Uruk expansion: cross-cultural exchange in early Mesopotamian civilization, *Current Anthropology*, 30,(5), 571-608
- Alizadeh, A., 2008. *Chogha Mish, Vol. II, final report on the last six seasons of excavations, 1972-1978*, Chicago, The Oriental Institute Publications 101, Chicago,
- Badler, V.R., 2004. A chronology of Uruk artefacts from Godin Tepe, in central western Iran and implications for the interrelationships between the local and foreign cultures, in, J.N. Postgate (ed.), *artefacts of complexity: tracking the Uruk in the Near East*, British School of Archaeology in Iraq, Cambridge, pp. 79-110.
- Delougaz, P., and Kantor, H., 1996. *Chogha Mish, Vol.1, The first five seasons of excavations 1961-1971*, Abbas Alizadeh (ed.), Chicago, The Oriental Institute Publications 101, Chicago, Vol. 1.
- Johnson, G. A., 1973. *Local exchange and early state development in southwestern Iran*, University of Michigan Museum of Anthropology, Anthropological Paper 51.
- Kouchoukos, N., 1998. *Landscape and social change in late prehistoric Mesopotamia*, Yale University, USA.
- Le Breton, L., 1957. The early periods at Suse, Mesopotamia relations, *Iraq*, 19, pp. 79-124.
- Mackey, E., 1931. *Report on excavation at Jemdet Nasr, Iraq*, Field Museum-Oxford University Joint Expedition, Chicago.
- Mathews, R., 2002. *Secrete of the dark mound: Jemdet Nasr 1926-1928*, British School of Archaeology in Iraq.
- Mattews, R.J., 1992. Defining the style of the period: Jemdet Nasr 1926-28, *Iraq*, 54, pp. 1-34.

- Moghaddam, A., 2012. *Later village period settlement development in the Karun River Basin, upper Khuzestan plain, greater Susiana, Iran*, BAR International series, 2347.
- Neely, J. and H.T. Wright 1994. *Early settlement and irrigation on the Deh Luran plain*, Ann Arbor, Technical Report 26.
- Nokandeh, J., 2010. Archaeological survey in the Mehrān plain, south western Iran, in, Paolo Matthiae, Frances Pinnock, Lorenzo Nigro and Nicolò Marchetti, Sapienza (eds.), *Proceedings of the 6th international congress on the archaeology of the ancient Near East*, Vol. II, - Università di Roma, 483-509.
- Pollock, S., 1999. *Ancient Mesopotamia*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Pollock, S., 2001. The Uruk period in southern Mesopotamia, in, M. Rothman(ed.), *Uruk Mesopotamia and its neighbors*, Santa Fe: School of American Research Press. pp. 181-233.
- Wilson, K.L., 1986. *Nippur: The definition of a Mesopotamian Ĝamdat Nasr assemblage*, In: Finkbeiner, Uwe and Rö lling, Wolfgang (eds.), *Ĝamdat Nasr, period or regional style? Papers given at a symposium held in Tubingen, November 1983*, Wiesbaden: Reichert, 1986:57-90.
- Wright, H.T., 1981. *An early town on the Deh Luran Plain: excavations at Tepe Farukhabad*, Ann Arbor: University of Michigan, Museum of Anthropology.
- Wright, H.T., and Gregory Johnson, 1975. Population, exchange, and early state formation in southwestern Iran, *American Anthropologist*, 77, 267-289.